



سال شانزدهم

اول اسد ۱۳۳۷

شماره هفتم

احمد علی کهزاد :

کتیبه‌ها آشو کا

از دوماه باینطرف خبر پیدا شدن کتیبه‌ای قندهار در رادیو کابل و جراید پخش شده و از زبان‌ها شنیده میشود حقیقت این است که در اثر یک سلسله خاک-کشی‌ها که درین سال‌های اخیر در حصص مختلف خرابه‌های شهر کهنه قندهار بعمل آمده و دهقان‌های محل خاک‌های خرابه را برای بارودادن زمین‌های خود برده میروند بالاخره در آغاز سال جاری ۱۳۳۷ کتیبه فی روی صخره سنگی در یکی از یوزهای سنگی در شمال شهر کهنه قندهار، در مجاورت چهل زینه قریب سرک موجوده قندهار-کو کران-گرشک به مشاهده دهقان‌ها و اهالی محلی رسیده است. درین کشف دست هیچ‌یک از هیئت‌های باستان‌شناسان خارجی و حفریات دخالت نداشته. کشف خود بخود در اثر عمل خاک برداری بعمل آمده و عامل اطلاع آن در قندهار به مدیر لیسه احمدشاه بابا (بنیاد علی عبدالباری آشنا) یک نفر از ریش سفیدان محلی شده و ایشان این خبر را در طی نامه شخصی و دوستانه به این جانب در انجمن تاریخ اطلاع دادند و با اقدام فوری انجمن تاریخ این خبر از راه رادیو کابل و اخبارهای مرکز به افغانستان پخش شد و موزه کابل و هیئت حفریات فرانسوی از آن اطلاع حاصل کردند و مستقیماً هم اطلاع مهم را به استحضار موسیو شرانو مشاور موزه کابل و موسیو لوبر و موسیو کزال اعضای هیئت حفریات فرانسوی رسانیدیم.

پس در اثر هدایات فوری بناغلی کفیل وزارت معارف موسیو (شرانو) ایطالوی بعیث مشاور موزة کابل برای عکاسی و معاينه کتیبه مذکور هازم قندهار شدو متعاقباً موسیو کزال، یکی از اعضای حفريات فرا نسوی که بقصد حفريات در (منديگك) ر و نده قندهار بود از کتیبه مذکور عکس برداری نمود. مشاور موزة علاوه بر عکس کاپی هائی در راهم از کتیبه برداشت و در اثر اقدامات مشاور ایطالوی موزة کابل و موسیو کزال عضو هیئت حفريات فرانسوی عکس ها و نقض روی را بر کتیبه قندهار به (روما) و (پاریس) رسید.

در بین فرصت يك مقاله مختصر تحت عنوان کتیبه سرپوزه در شماره اول جوزای ۱۳۳۷ مجله ژوندن نشر کردم و بعد در شماره (۱۸۵) مجله آریانا تر جمه يك مقاله مشاور ایطالوی موزة کابل انتشار یافت و چند هفته بعد سروصدای مطالعه و ترجمه قسمت اول کتیبه از اروپا بلند شد. بدین ترتیب که متن يك مقاله موسیو شرانو، که از کابل به روما فرستاده بود در مجله (ایست اندوست) شرق و غرب (شماره مارچ - جون ۱۹۵۸) انتشار یافت و خبر هائی هم در برخی از جراید و روزنامه های ایطالوی مثل (جورنال ایتالیه شماره ۲۹ - ۲۸ مارچ ۱۹۵۸) بخش گردید و متعاقب آن مقطوعه اخبار (لوموند) پاریس به مشاهده رسید که در آن دانشمندان فرانسوی نتیجه فوری مطالعات خویش را در مورد ترجمه قسمت یونانی کتیبه شایع کرده اند. اولتر از همه باید تصریح کنم که کتیبه که در شهر کهنه قندهار پیدا شده است به دوزبان و به دورسم الخط است: یکی زبان و رسم الخط یونانی و دیگر زبان و رسم الخط آرامی. قسمت اول و بالای کتیبه که به زبان و رسم الخط یونانی است شامل سیزده و نیم سطر است و قسمت دومی و پایانی کتیبه که به زبان و رسم الخط آرامی نقر شده مشتمل بر هفت و نیم سطر میباشد.

شبهی نیست که در میان این دو زبانی که در کتیبه قندهار بکار رفته قسمت یونانی آن نسبت به آرامی آسانتر است و به همین ملاحظه چه در روما و چه در پاریس اول تر به ترجمه حصه یونانی متوجه شده و در هر دو جا آنرا نشر کردند و در هر دو جا ترجمه حصه آرامی را به آینده قریب موکول نموده اند.



کتابچه سر یوزه

پس در اثر هدایات فوری شباغلی کفیل وزارت معارف موسیو (شرانو) ایطالوی
بعیث مشاور موزه کابل برای عکاسی و ماینه کتیبه مذکور هازم قندهار شد
متماقباً موسیو کزال، یکی از اعضای حفریات فرانسوی که بقصد حفریات در (مندیکک)
رونده قندهار بود از کتیبه مذکور عکس برداری نمود. مشاور موزه علاوه بر عکس
کاپی هائی در برابر هم از کتیبه برداشت و در اثر اقدامات مشاور ایطالوی موزه کابل
و موسیو کزال عضو هیئت حفریات فرانسوی عکس ها و نقض روی را بر کتیبه قندهار
به (روما) و (پاریس) رسید.

درین فرصت يك مقاله مختصر تحت عنوان کتیبه سرپوزه در شماره اول جوزای
۱۳۳۷ مجله ژوندن نشر کردم و بعد در شماره (۱۸۵) مجله آریانا ترجمه يك مقاله
مشاور ایطالوی موزه کابل انتشار یافت و چند هفته بعد سروصدای مطالعه و ترجمه
قسمت اول کتیبه از اروپا بلند شد. بدین ترتیب که متن يك مقاله موسیو شرانو، که
از کابل به روما فرستاده بود در مجله (ایست اندوست) شرق و غرب (شماره مارچ - جون
۱۹۵۸) انتشار یافت و خبر هائی هم در برخی از جراید و روزنامه های
ایطالوی مثل (جورنال ایتالیه شماره ۲۹ - ۲۸ مارچ ۱۹۵۸) بخش گردید و متعاقب
آن مقطوعه اخبار (لوموند) پاریس به مشاهده رسید که در آن دانشمندان فرانسوی
نتیجه فوری مطالعات خویش را در مورد ترجمه قسمت یونانی کتیبه شایع کرده اند.
اولتر از همه باید تصریح کنم که کتیبه که در شهر کهنه قندهار پیدا شده است
به دوزبان و به دورسم الخط است: یکی زبان و رسم الخط یونانی و دیگر زبان و رسم الخط
آرامی. قسمت اول و بالای کتیبه که به زبان و رسم الخط یونانی است شامل سیزده
و نیم سطر است و قسمت دومی و پایانی کتیبه که به زبان و رسم الخط آرامی نقر شده
مشمول بر هفت و نیم سطر میباشد.

شبهائی نیست که در میان این دو زبانی که در کتیبه قندهار بکار رفته قسمت یونانی
آن نسبت به آرامی آسانتر است و به همین ملاحظه چه در روما و چه در پاریس اول تر
به ترجمه حصه یونانی متوجه شده و در هر دو جا آنرا نشر کردند و در هر دو جا ترجمه
حصه آرامی را به آینده قریب موکول نموده اند.

چیز مهمی که فوری باید متذکر شویم این است که درین کتیبه نام (آشو کا سو مین پادشاه سلاله موریایا که بین ۲۷۳-۲۳۲ ق م) سلطنت کرده است بصورت (پیو داسی) تذکار یافته و (پیو داسی) اسم دیگر پادشاه مو صوف بود و در برخی کتیبه های دیگر هم به همین نام خویش رایاد کرده است آشو کا سو مین پادشاه موریایا پسر (بیندوسارا) نواسه (چندرا گوپتا موریایا) کسی است که بار سال مبلغان آئین بودائی را در افغانستان در اواسط قرن سوم ق م منتشر ساخت. در وقت هائی که این پادشاه در هند سلطنت داشت علاقه های جنوب هندو کش از (گندهارا) گرفته الی حوزه (ارا کوزی) یعنی از دره کابل گرفته تا وادی ارغنداب بعد از واقعه جنگ چندرا گوپتا موریایا و (سلکوس نیکاتور) یونانی شامی و شکست اخیر الذ کرد در کناره های سند در حوالی ۳۰۵ ق م جزء اراضی مفتوحه موریایا محسوب میشد و این سلطه موقتی در حدود پنجاه سال دوام کرد تا یونانیان باختری نفوذ موریایا را به شرق اندوس (رود سند) عقب زدند و به نوبه خود به فتوحاتی در هند موفق گردیدند.

به اساس شواهدی که در دست است همه میدانیم که آشو کا کتیبه های متعددی در دوران سلطنت خود در نقاط مختلف هند یار کار گذاشته که آنها را مولا فرمان های سنگی) میخوانند و به اصطلاح صحیح تر آنها را (دعوه نمبھانی) یعنی (ستون های اخلاقی) میخوانند و کتیبه قندهار از طرف اراز این گونه ستون های با کتیبه های اخلاقی است و باید فوری متذکر شویم که قبل برین شواهد کتیبه دیگری هم ازین قبیل کتیبه ها در خاک افغانستان دیده شده که پارچه سنگ مثلث نمائی از از در موزه کابل موجود است و بنا م (کتیبه درون تبه) شهرت دارد و تقریباً از ۶۵ - ۳۰ سال باینطرف وجود خارجی دارد و بار اول ذریعه یکی از سالنامه های کابل عکس آن به حلقه های علمی اروپا رسیده و (مار گنسترن) دانشمند نروژی اولین کسی است که خبر آنرا در اروپا پخش کرده است. و از طرف چندین تن از زبان شناسان باختری ترجمه شده و مستر هیننگ، با تذکار نام و زحمات متقدمان خود رساله می در آن مورد تحت

عنوان (کتیبه ارامی لغمان) شایع کرده است. متأسفانه این کتیبه بسیار صدمه دیده و از جمله چند سطر باقیمانده، هیچ کدام کامل نیست و از روی کلمات جسته پریده واضح استنباط میشود که کتیبه مذکور از جمله (ستون‌های اخلاقی) آشوکا بوده و سفارش‌هایی مبنی بر خودداری از آزار و قتل حیوانات در آن بعمل آمده. مقصد از این تذکار مختصر اینجاست که تاحال دو کتیبه آشوکا در افغانستان به مشاهده پیوسته یکی در گندهارا در ننگرهار در حوالی (درون ته) بین حوزه لغمان و جلال آباد و دیگری در حوزه اراکوزی در شهر کهنه قندهار در محلی که حتماً در آنجا قدیم‌ترین شهر حوزه ارغنداب در طی قرن سوم ق م و پیشتر از آن آباد بود. ترجمه قسمت یونانی کتیبه قندهار بدون آنکه در جزئیات کلمات داخل شویم تقریباً چنین است که آشوکا به همان شیوه خاص دستورهای اخلاقی خود مردم را از آزار و کشتن حیوانات و صید ماهی منع میکند و میگوید همانطور که من از کشتن انسان دست گرفتم شکاری‌ها را صیادان هم از شکار و صید خودداری کردند پادشاه موریا مردم را به اطاعت والدین و سالخوردهگان و انطفای خواهشات نفسانی و احترام تمام زنده جان دعوت میکند و میگوید با شفاق و ترحم (پیوداسی) به نوع بشر خوشبختی در روی کیتی بهن گردید نتیجه‌ی آنی که عجلتاً از نقطه نظر ادب و تاریخ از کتیبه قندهار بدست می‌آید قرار اتی است:

(الف): آئین بودائی در اوایل قرن سوم ق م از گندهارا گرفته تا حوزه ارغنداب در زمان آشوکا انتشار یافته و کتیبه مذکور اولین کتیبه است که در زبان یونانی توصیه‌های اخلاقی آئین مذکور را پخش میکند.

(ب): زبان یونانی و رسم الخط یونانی در اوایل قرن سوم ق م مقارن زمانی که استقلال دولت یونان باختری در باختر اعلان میشد در افغانستان معمول و مروج شده بود و چون در کتیبه قندهار مقام اولیت با زبان و رسم الخط یونانی داده شده واضح معلوم

میشود که زبان مذکور و رسم الخط آن در نقاط مختلف کشور ما متداول شده بود. این امر بسیار حیرت آور است که چطور در چنین تاریخی زبان یونانی و رسم الخط آن در کشور ما رواج یافته است؟ این حقیقت حکم میکند که با احداث اسکندریه ها در افغانستان از طرف اسکندر و منجمله بنای اسکندریه می در (ارا کوزی) حوزه ارغنداب زبان و رسم الخط یونانی توسط یونانی ها می که در اسکندریه ها جا گزین شدند فوری متداول و معمول شد.

(ج): قراریکه از کتیبه (قندهار) و درون (ه) و (تا کز بلا) معلوم میشود رسم الخط آرامی که مبداء رسم الخط های آریه، رسم الخط های افغانستان و هند و ایران محسوب میشود در طی قرن سوم ق م در بیشتر نقاط افغانستان رایج بود. چون حلقه های علمی اروپائی هنوز از اظهار نظر در باب ترجمه متن آرامی کتیبه قندهار خود داری کرده اند. راجع به چگونگی زبان آرامی و چگونگی باید از خاموشی کارگرفت و منتظر تحقیقات بود.

خلاصه کتیبه قندهار به نحوی که مختصراً ذکر شد از نظر تاریخ قدیم و انتشار بودیزم و تاریخ السنه و رسم الخط ها در افغانستان که ال اهمیت دارد و چون ده ماه قبل کتیبه بزرگ کنیشکا از صفحات شمال هندو کش از سرخ کوتل از بغلان قدیم هم مکشوف شده است مقایسه این دو کتیبه بسیار مهم که از شمال و جنوب افغانستان بدست آمده است افق جدیدی از نظرهای مختلف در تاریخ و فرهنگ باستانی ما باز خواهد کرد. (اشوکا) پادشاه موریان و (کنیشکا) امپراتور کوشانی دو تن از بزرگترین پادشاهان روزگاران باستان هستند که اولی از هند به افغانستان و دومی از افغانستان به هند فتوحات کرده هر دو از نظر انتشار آئین بودائی و اعزام مبلغان به اکناف آسیا و تشکیل مجالس بزرگ مذهبی و تعمیر استوپه ها و معابد معرفیت زبان دارند و این هم یکی از اتفاقات است که به فاصله چند ماه کتیبه آن دو پادشاه از دو نقطه افغانستان پیدا شده است. - انجام